… ای ياران عبدالبهآء و بندگان جمال ابهی خوشا خوشا که…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٩٧

… ای ياران عبدالبهآء و بندگان جمال ابهی خوشا خوشا که اين جام سرشار را از دست ساقی اسرار نوشيديد و چنان سرمست شديد که رقص‌کنان در اين ميدان دست در آغوش دلبر مهربان کرديد. يعنی به عرفان فائز شديد و به محبّت او منجذب شديد. زبان به نعت و ثنا گشوديد و به جان و دل در ره يزدان کوشيديد. اين موهبت عظيم است و نعمت بی مثل و نظير. ملاحظه نمائيد که در صحرای منشوريا دو کرور نفوس به جهت خاک جانفشانی نمودند و در فصل زمستان در سرما و بوران و برف و باران از صبح تا به شام در ميدان جانفشانی به نهايت همّت خونفشانی کردند، بجز خسران مبين ثمری نيابند بلکه روزی چند آن اقليم لئيم در دست آن و اين افتد و عاقبت در تحت تصرّف هيچ يک نماند و للّه ميراث السّموات و الأرض. حال آن گروه به جهت خاک سياه تحمّل چنين غم و اندوه نمودند و جز زيان و خسران ثمری نديدند و عن‌ قريب هل اتی علی الانسان يوم من الدّهر لم يکن شيئاً مذکورا گردند. جميع اين زحمات هدر رود و کلّ اين مشقّت‌ها بی‌نتيجه ماند بلکه حرب و جدال و جنگ و نزال و ضرب و کفاح ننگ عالم انسانی و مانع فوز و فلاحست. پس ما که آشفته روی ياريم و پريشان آن زلف مشکبار بايد چگونه جانفشانی کنيم و به جانفشانی کامرانی نمائيم زيرا در سبيل حضرت احديّت کوشيم و حيات ابديّه يابيم و عزّت سرمديّه جوئيم. علمی بلند نموده‌ايم که منکوس نگردد و اميدی داريم که کسی مأيوس نشود. پس ای ياران عبدالبهآء تا توانيد ره رهبران گيريد و در سبيل يزدان جانفشانی کنيد و جميع خلق را يار مهربان باشيد و نوع بشر را مهرپرور گرديد. حکومت عادله را مطيع و منقاد باشيد و اعليحضرت شهريار را خادمی بااقتدار گرديد تا مظهر تأييدات الهيّه شويد و مطلع انوار ابديّه گرديد و عليکم التّحيّة و الثّنآء.